



## اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

# درس ۸

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: یاسر سعادت‌ی

آنچه در درس های پیشین گذشت بحث در ادله حجیت استصحاب بود . در آنجا مطرح شد مهم ترین دلیل استصحاب روایات می باشد و شهید صدر در این زمینه چهار روایت را مورد بررسی قرار می دهد. بحث در مورد روایت اول را تمام کرده و به روایت دوم «صحيحه رعا ف» رسیدیم. مطالب در مورد فقه الحدیث این روایت که مانند روایت اول ، راوی آن زراره می باشد، نیز به اتمام رسید. اکنون به مواضع استدلال می پردازیم. همان طور که گذشت به دو موضع از روایت ثانیة زراره «صحيحه رعا ف» بر حجیت استصحاب استدلال شده است که عبارتند از:

سؤال سوم زراره: قلت: فإن ظننت أنه قد أصابه و لم أتيقن ذلك، فنظرت فلم أر شيئاً، ثم صليت فرأيت فيه؟ قال: تغسله و لا تعيد الصلاة. قلت، و لم ذلك؟ قال: لأنك كنت على يقين من طهارتك، ثم شككت، و ليس ينبغي لك أن تنقض اليقين بالشك أبداً.

سؤال ششم زراره: قلت: إن رأيت في ثوبي و أنا في الصلاة؟ قال: تنقض الصلاة و تعيد إذا شككت في موضع منه ثم رأيت، و إن لم تشك ثم رأيت رطباً قطعت الصلاة و غسلته ثم بنيت على الصلاة، لأنك لا تدري لعله شيء أوقع عليك فليس ينبغي أن تنقض اليقين بالشك.

در این درس، به موضع اول استدلال (سؤال سوم زراره) پرداخته و انقام آن را به دروس بعدی موکول می کنیم.

هذا حاصل الكلام فى فقه الرواية.

و اما تفضيل الكلام فى موقعى الاستدلال فيقع فى مقامين:

المقام الأول: فى الموقع الأول، و الكلام فيه فى جهات:

الأولى: إن الظاهر من جواب الإمام تطبيق الاستصحاب لا قاعدة اليقين، و ذلك لأن تطبيق الإمام لقاعدة على السائل متوقف على أن يكون كلامه ظاهراً فى تواجد أركان تلك القاعدة فى حالته المفروضة، و لا شك فى ظهور كلام السائل فى تواجد أركان الاستصحاب من اليقين بعدم النجاسة حدوثاً و الشك فى بقائها، و اما تواجد أركان قاعدة اليقين فهو متوقف على أن يكون قوله: «فنظرت فلم أر شيئاً...» مفيداً لحصول اليقين بعدم النجاسة حين الصلاة بسبب الفحص و عدم الوجدان، و أن يكون قوله: «فأيت فيه»، مفيداً لرؤية نجاسة يشك فى كونها هى المفحوص عنها سابقاً. مع أن العبارة الأولى ليست ظاهرة عرفاً فى افتراض حصول اليقين حتى لو سلمنا ظهور العبارة الثانية فى الشك.

## نتیجه چهار فرضیه مطرح شده در فقره سوم از صحیحۀ رعاف (یادآوری)

در فقره سوم از صحیحۀ رعاف، مطالبی که در مورد این احتمالات گذشت بدین ترتیب بود: فرضیه اول: این فرضیه باید از دایره احتمالات خارج شود؛ زیرا این احتمال قطعاً مراد زراره نبوده است. فرضیه دوم: هم برای استصحاب مجال دارد و هم برای قاعده یقین؛ در نتیجه اگر بخواهیم به وسیله این فقره، بر استصحاب استدلال کنیم، یا باید این اجمال از فقره دوم مرتفع شده و از آن استظهار اراده استصحاب شود، و یا باید این فرضیه نیز از دایره احتمالات خارج شود و فقره سوم روایت، بر یکی از دو فرضیه سوم و چهارم حمل شود؛ در غیر این صورت اجمال فرضیه دوم مانع از استدلال بر استصحاب خواهد بود. فرضیه سوم و چهارم: فقط برای استصحاب مجال دارند.

## مباحث استدلالی فقره سوم صحیحۀ رعاف

آنچه گذشت درباره فقه الحدیث صحیحۀ رعاف بود. اکنون به بررسی دو موضع از این صحیحۀ رعاف که برای استدلال بر استصحاب مفید است می پردازیم.

این بحث در دو مقام مطرح می شود:

مقام نخست: بحث از موضع اول استدلال که فقره سوم روایت می باشد.

مقام دوم: بحث از موضع دوم استدلال که فقره ششم روایت است.

### مقام اول: بحث از موضع اول (فقره سوم) استدلال بر حجیت استصحاب از صحیحۀ رعاف

مقام نخست نیز در چهار بخش مورد بحث قرار می گیرد:

#### بخش یکم: ظهور فقره سوم صحیحۀ رعاف در قاعده استصحاب

امام (ع) در پاسخ به سؤال سوم زراره، به قاعده ای از قواعد شک اشاره می کنند، اما سؤال این است که این قاعده مورد اشاره امام (ع) کدام قاعده است؟ در این بخش از مقام اول، در پی یافتن پاسخ این سؤال هستیم که فقره سوم صحیحۀ رعاف، در کدام یک از قواعد شک ظهور دارد؟

جواب: پاسخ امام (ع) ظهور در استصحاب دارد نه قاعده یقین.

**توضیح:** از آنجا که امام (ع) نه بر اساس علم غیب بلکه بر اساس ظواهر کلام سائل، جواب می دهند، ما نیز برای فهمیدن این مطلب که امام (ع) در پاسخ زراره، به کدام قاعده از قواعد شک اشاره فرموده اند باید در فهم کلام سائل دقت کنیم. آنگاه کلام سائل در وجود ارکان قاعده ای ظهور داشت می توان پاسخ امام (ع) را بر آن قاعده حمل کرد و گرنه چنین حملی روا نیست. با بیان این مقدمه می گوئیم شکی نیست که در سؤال سوم، کلام سائل ظهور در قاعده استصحاب دارد، اما نسبت به ارکان قاعده یقین، چنین ظهوری ندارد؛ به همین علت می گوئیم مراد امام (ع) در پاسخ سوم زراره، تطبیق استصحاب است و نه قاعده یقین.

#### وجه ظهور سؤال زراره در فقره سوم در استصحاب

استصحاب دارای دو رکن یقین سابق و شک لاحق می باشد که این دو رکن، در فقره سوم موجود است.

دلیل بر وجود یقین سابق، این جمله زراره است که می گوید: «ظننت أنه قد أصابه» که نشان می دهد وی قبل از ظن به اصابت، یقین به عدم نجاست داشته است و این ظن، پدیده حادثی است. مضافاً بر این که عادتاً هر کسری یقین دارد لباسش حداقل هنگام دوخته شدن طاهر بوده است.

اما دلیل بر وجود شک لاحق، اولاً جمله زراره است که به آن اشاره شد؛ زیرا مراد از شک لاحق در استصحاب، اعم از ظن غیر معتبر است. ثانیاً پاسخ امام (ع) که فرموده اند: «لأنك كنت على يقين من طهارتك، ثم شككت، و ليس ينبغي لك أن تنقض اليقين بللشك أبداً».

### متن عربی و نکات تطبیقی

هذا (۱) حاصل الکلام فی فقه (۲) الروایة.

و اما تفصیل الکلام فی موقعی (۳) الاستدلال فیقع (۴) فی مقامین: المقام الأول: فی الموقع الأول (۵)، و الکلام فی (۶) فی جهات (۷):

۱. مشار الیه: ما ذکر «مطالبی که تا کنون گذشت».

۲ و ۳. متعلق جار و مجرور: الکلام.

۴. فاعل: ضمیر مستتر «هو»؛ مرجع ضمیر: تفصیل.

۵. یعنی: فقره سوم صحیحه رعاف.

۶. مرجع ضمیر: «الموقع الأول». متعلق جار و مجرور: الکلام.

۷. متعلق جار و مجرور: الکلام.

الأولی: إن الظاهر من جواب (۱) الإمام تطبیق الاستصحاب لا قاعدة یقین، و ذلك (۲) لأن تطبیق الإمام لقاعدة (۳) علی السائل (۴) متوقف علی أن یكون کلامه (۵) ظاهراً فی تواجد (۶) أركان تلك القاعدة فی حالته (۷) المفروضة (۸).

۱. متعلق جار و مجرور: الظاهر.

۲. مشار الیه: جمله «أن الظاهر من جواب....» که به وسیله کلمه «أن» تأویل به مصدر می رود. پس می توان گفت مشار الیه، «هذا الظهور» می باشد.

۳ و ۴. متعلق جار و مجرور: تطبیق.

۵. مرجع ضمیر: السائل.

۶. متعلق جار و مجرور: ظاهراً.

۷. مرجع ضمیر: کلامه.

۸. یعنی: حالتی که در کلام فرض شده است.

و لا شک فی ظهور کلام السائل فی تواجد (۱) أركان الاستصحاب من (۲) اليقین بعدم (۳) النجاسة حدوثاً (۴) و الشک فی بقائها (۵).

۱. متعلق جار و مجرور: ظهور.

۲. بیان ارکان.

۳. متعلق جار و مجرور: یقین.

۴. تمیز «الیقین بعدم النجاسة».

۵. متعلق جار و مجرور: الشک. مرجع ضمیر: عدم النجاسة.

Sco ۱: ۰۸:۳۹

### عدم وجود ارکان قاعده یقین در فقره سوم روایت

گفتیم که با توجه به وجود ارکان استصحاب در سؤال سائل، جواب امام بر قاعده استصحاب حمل می شود. در ادامه باید گفت که نفی توان فقره سوم را بر قاعده یقین حمل کرد؛ زیرا ارکان قاعده یقین، در این فقره وجود ندارند.

**دلیل:** قاعده یقین دو رکن دارد:

۱. یقین سابق

۲. شک در صحت آن یقین.

پس برای این که سؤال سوم زراره، شامل این دو رکن شود، باید فرض سؤالش به این شکل باشد:

(الف) فرض شود مکلف یقین به عدم نجاست لباسش داشته و با این یقین وارد نماز شده است.

(ب) بعد از نماز شک کند که آیا یقین او صحیح بوده یا این که آن یقین خطا و غیر مصاب به واقع بوده است؛ در نتیجه یقین سابق مخدوش و متزلزل می شود.

حال اگر بخواهد سؤال سوم زراره، در این دو رکن ظهور داشته باشد باید:

**اولاً:** عبارت «فنظرت فلم أر شیئاً» (پس نگاه کردم و چیزی ندیدم) به این معنا باشد که او بر اثر نیافتن نجاست، به عدم

نجاست لباسش یقین پیدا کرده است، تا بدین وسیله، رکن اول قاعده موجود باشد. باید توجه داشت آن یقینی که عادتاً هر کسی به طهارت لباس خود در گذشته دارد، نمی تواند رکن قاعده یقین قرار گیرد زیرا آن یقین بعداً مخدوش نشده است.

**ثانیاً:** عبارت «فرأیت فیه» به این معنا باشد که او بعد از نماز، نجاستی در لباسش دیده است و شک می کند که این

نجاست آیا همان نجاستی است که قبل از نماز، گمان به اصابتش و بعد از فحص، به عدم اصابتش یقین کرده بود، یا این که نجاست جدیدالحدوثی است. در این صورت، رکن دوم قاعده یقین نیز وجود خواهد داشت؛ زیرا بنا بر این فرض،

او در یقین سابق خود شک کرده و بدین وسیله، یقین سابقش مخدوش و متزلزل شده است.

اما اگر این عبارت، به این معنا باشد که بعد از نماز، نجاستی را در لباسش دیده و یقین کرده است که این همان نجاستی

است که قبل از نماز از آن فحص کرده بود، در این صورت، رکن دوم قاعده یقین موجود نمی باشد؛ زیرا شکی وجود

ندارد. حال با دقت در مفاد سؤال زراره متوجه می شویم که حتی اگر وجود رکن دوم را بپذیریم، رکن اول قاعده وجود

ندارد؛ زیرا عبارت «فنظرت فلم أر شیئاً» عرفاً در حصول یقین به عدم نجاست ظهور ندارد. زیرا غالباً از نیافتن چیزی

نمی شود به عدمش یقین پیدا کرد و إخبار از نیافتن یک شیء، عرفاً در حصول یقین به عدم آن شیء ظهور ندارد.

در درس بعد می آید که حذف مفعول «رأیت» بر این دلالت می کند که یقین به اتحاد نجاست رؤیت شده با نجاست مورد فحص در قبل از نماز فرض نشده است و گرنه می گفت: «رأیته فيه» و یا «رأیت الدم فيه»؛ به همین دلیل، شهید صدر وجود رکن دوم قاعده یقین را پذیرفته است.

### متن عربی و نکات تطبیقی

و اما تواجد أركان قاعدة اليقين فهو (۱) متوقف علی أن يكون قوله (۲): «فنظرت فلم أر شيئاً...» مفيداً لحصول اليقين (۳) بعدم النجاسة (۴) حين الصلاة بسبب (۵) الفحص و عدم الوجدان، و أن يكون (۶) قوله (۷): «فرأيت فيه»، مفيداً لرؤية نجاسة يشك في كونها (۸) هي (۹) المفحوص عنها (۱۰) سابقاً (۱۱).

۱. مرجع ضمير: «تواجد».

۲. مرجع ضمير: زرارہ.

۳. متعلق جار و مجرور: مفيداً.

۴. متعلق جار و مجرور: اليقين.

۵. متعلق جار و مجرور: حصول.

۶. معطوف عليه: «أن يكون» در جمله قبل.

۷. مرجع ضمير: زرارہ.

۸ و ۹ و ۱۰. مرجع ضمير: النجاسة.

۱۱. ظرف «المفحوص».

مع أن العبارة الأولى (۱) ليست ظاهرة عرفاً (۲) في افتراض (۳) حصول اليقين حتى لو سلمنا ظهور العبارة الثانية (۴) في الشك.

۱. یعنی: قوله: «فنظرت فلم أر شيئاً...».

۲. تمیز «ليست».

۳. متعلق جار و مجرور: ظاهرة.

۴. یعنی: قوله: «فرأيت فيه».

Sco<sup>۲</sup>: ۱۷:۳۵

## چکیده:

۱. به خاطر وجود ارکان استصحاب در پاسخ امام (ع) به سؤال سوم زراره، مفاد روایت، ظهور در استصحاب دارد؛ رکن اول استصحاب که یقین سابق است به دو دلیل در سؤال سوم زراره وجود دارد:

الف) عبارت «ظننت أنه قد أصابه» نشان می‌دهد قبل از این ظن، یقین به عدم نجاست داشته و این ظن پدیده حادّی است.

ب) عادتاً هر کسی یقین دارد که لباسش حداقل در زمان دوخته شدن طاهر بوده است.

و همچنین به دو دلیل شک لاحق که رکن دیگر استصحاب است، در سؤال سوم زراره وجود دارد:

الف) عبارت «ظننت أنه قد أصابه» با توجه به این که شک مورد نیاز در استصحاب، اعم از ظن غیر معتبر است.

ب) از پاسخ امام (ع) که فرمود: «لأنك كنت على يقين من طهارتك، ثم شككت».

۲. سؤال سوم زراره ظهوری در وجود رکن اول قاعده یقین (یقین سابق که بعداً متزلزل می‌شود) ندارد؛ زیرا عبارت «فَنظَرْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئاً» عرفاً ظهور در حصول یقین به عدم نجاست ندارد؛ چون غالباً از نیافتن چیزی، به عدمش یقین پیدا نمی‌شود.